



بررسی جایگاه روانشناسان اجتماعی در پیشگیری رشدمدار از جرم

مرتضی محمدی^۱
عاطفه شکیباراد^{*۲}
زهره درافشان طباطبایی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰

چکیده

پیشگیری از رشد مدار به جرم یکی از موضوعات حیاتی در زمینه‌ی علوم روانشناختی و اجتماعی است. در این راستا، جایگاه روانشناسان اجتماعی برای پیشگیری از افرادی که در معرض خطر رشد به جرم هستند، بسیار حیاتی است. این روانشناسان با بررسی عوامل مختلفی از جمله روابط اجتماعی، خانواده، محیط مدرسه، و شرایط اقتصادی، تلاش می‌کنند تا راهکارهایی برای پیشگیری از رشد مدار به جرم ارائه دهند. این مقاله به بررسی جایگاه این روانشناسان در این زمینه می‌پردازد و اهمیت نقش آن‌ها در پیشگیری از جرم را مورد بررسی قرار می‌دهد. مسئله‌ی اصلی در اینجا این است که چگونه روانشناسان اجتماعی می‌توانند در پیشگیری از رشد مدار به جرم در جامعه‌ی امروزی نقش مؤثری داشته باشند؟ ابتدا باید عواملی که به رشد مدار به جرم منجر می‌شوند را شناسایی کرده و سپس راهکارهایی ارائه داد که این عوامل را کاهش دهند و افراد را از ورود به راه جرم‌آمیز باز دارند. این شامل ارتقاء آگاهی از مسائل اجتماعی و روانشناختی، تقویت روابط اجتماعی، ارائه خدمات روان‌شناختی و اجتماعی به افراد در معرض خطر، و اصلاح سیاست‌های اجتماعی و قانونی است. هدف اصلی این تحقیق بررسی و تحلیل جایگاه روانشناسان اجتماعی در پیشگیری از رشد مدار به جرم است. این مقاله به بررسی رابطه روانشناسان و حقوقدانان در حوزه پیشگیری از جرم از نوع تحلیلی - توصیفی و روش تحقیق از طریق مطالعه‌ی دقیق و تحلیل مقالات علمی، کتب، و مطالعات مربوطه در این زمینه انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد الکترونیکی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

m.mohamadi.6090@gmail.com

^۲ استادیار گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم و فناوری‌های پزشکی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول): atefeh.shakibarad@gmail.com

^۳ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد الکترونیکی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Zahratabatabaei1363@gmail.com

می‌دهد که روانشناسان اجتماعی با ارائه‌ی راهکارهای مبتنی بر شناخت عوامل مؤثر در رشد مدار به جرم، می‌توانند نقش مهمی در پیشگیری از این پدیده ایفا نمایند.

واژگان کلیدی: جرم‌شناسی رشدمدار، پیشگیری از جرم، روانشناسی اجتماعی، عدالت کیفری.

مقدمه

بیان مسئله: پیشگیری از جرم یکی از مهم‌ترین موضوعات در حوزه علوم اجتماعی و روانشناسی است که به‌طور مستقیم بر امنیت و سلامت جامعه تأثیر می‌گذارد. روانشناسان اجتماعی با بررسی و تحلیل عوامل مختلفی که منجر به گرایش به جرم می‌شود، می‌توانند نقش مؤثری در پیشگیری از جرم ایفا کنند. این عوامل شامل روابط اجتماعی، خانواده، محیط مدرسه و شرایط اقتصادی است. با توجه به اینکه جامعه‌ی امروزی با تغییرات سریع و پیچیدگی‌های فراوانی مواجه است، بررسی نقش روانشناسان اجتماعی در پیشگیری از جرم امری ضروری به نظر می‌رسد. مسئله اصلی این پژوهش این است که چگونه روانشناسان اجتماعی می‌توانند در پیشگیری از رشد مدار به جرم در جامعه‌ی امروزی نقش مؤثری داشته باشند و چه راهکارهایی می‌توانند ارائه دهند تا این افراد از ورود به راه جرم‌آمیز بازداشته شوند؟

ضرورت انجام تحقیق: ضرورت این تحقیق به دلیل افزایش نرخ جرم و نیاز به رویکردهای جدید و مؤثر برای پیشگیری از آن است. همچنین، بررسی نقش روانشناسان اجتماعی در این زمینه می‌تواند به بهبود سیاست‌های پیشگیری از جرم کمک کند.

پیشینه پژوهش: در پژوهش‌های گذشته، بیشتر به بررسی عوامل فردی و محیطی مؤثر بر گرایش به جرم پرداخته شده است. تحقیقات متعددی نشان داده‌اند که مشکلات خانوادگی، فقر، نقص در سیستم آموزشی و ضعف در روابط اجتماعی از جمله عواملی هستند که می‌توانند به گرایش به جرم منجر شوند. با این حال، مطالعات کمتری به بررسی نقش مستقیم روانشناسان اجتماعی در پیشگیری از جرم پرداخته‌اند.

جنبه نوآوری نسبت به سایر آثار: این پژوهش با تمرکز بر نقش روانشناسان اجتماعی و ارائه راهکارهای عملی برای پیشگیری از جرم، نوآوری دارد و می‌تواند به طور مستقیم به بهبود سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیری از جرم کمک کند.

سوال تحقیق: چگونه روانشناسان اجتماعی می‌توانند در پیشگیری از رشد مدار به جرم در جامعه‌ی امروزی نقش مؤثری داشته باشند؟

شرح چارچوب نظری تحقیق؛ چارچوب نظری این تحقیق بر اساس نظریات روانشناسی اجتماعی و مدل‌های پیشگیری از جرم بنا شده است و به تحلیل عوامل اجتماعی و روانشناختی مؤثر بر گرایش به جرم می‌پردازد.

۱- تعریف علم جرم‌شناسی

جرم‌شناسی علم مطالعه جرم است و جرم‌شناسی به همراه شناخت روان و فکر افراد است. جرم‌شناسی علم شناخت علل وقوع جرم است. طرز تاثیر عوامل جرم زای فردی و اجتماعی، شناسایی محیط جرم ساز؛ مجموعه علم‌های که به پدیده جرم مربوط می‌شود و هر عملی که جامعه جرم تلقی می‌کند جرم است. جرم‌شناسی رشته‌ای از علم جرم است که درباره‌ی عوامل جرم زا و کیفیات و شرایط فردی و اجتماعی و محیطی مؤثر در بروز رفتار جرم یا علل وقوع جرم و صور گوناگون بزه و جنبه‌های کمی و کیفی آن و از پیدایش حالت خطر ناک در انسان و یا انسان‌های خطر ناک و تبه‌کار و تشکیل گروه‌های جامعه ستیز در میان جوامع انسانی با روش عینی و علمی و یا مشاوره و از مون و مقایسه و استقرایی کافی و به بررسی و تحقیق و اصلاح می‌پردازد تا مگر با استعداد و استفاده از تمام تضمین‌های علمی به پیش‌گیری مستقیم و غیر مستقیم از بروز جرائم و روش‌های درمان و اصلاح و تربیت بزه‌کاران و کسانی که در اثر عوامل جرم زایی فردی تن و روان و محیط اجتماعی و طبیعی بدی را برگزیدند و از خود و برتافتند از انسانیت گریختند و پرورش دوباره و نوسازی مجرمان و ساختن دوباره آنها و سازگار کردن آنها با جامعه و میزان اجتماعی درواقع به علت تعدد اختلاف دیدگاه متخصصین رشته‌های جرم‌شناسی و توجه خاص محققین به یک عنصر از عناصر جرم‌شناسی و تعاریف مختلفی ارائه شده است.

۱-۱- بررسی علل وقوع جرم در جامعه

پدیده مجرمانه تحت تاثیر عوامل متعددی قرار دارد که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر رفتارهای افراد تاثیر می‌گذارند. برای کاهش وقوع جرم و ارتقاء امنیت جامعه، لازم است که برنامه‌های جامع و هماهنگی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانشناختی تدوین و اجرا شوند. این برنامه‌ها باید شامل حمایت از خانواده‌ها، بهبود شرایط اقتصادی، ترویج ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، و ارائه خدمات روانشناختی به افراد در معرض خطر باشند. (اکبری، ۱۳۹۷)

در تحلیل جرم‌شناسی علل وقوع جرم به موارد زیر می‌رسیم:

عوامل اجتماعی: در تحلیل جرم‌شناسی، عوامل اجتماعی مانند فقر، بیکاری، ناامنی محیطی و ناکارآمدی نظام قضایی به عنوان عوامل مؤثر در وقوع جرم شناخته می‌شوند. فرهنگ جامعه و ارزش‌های آن نیز می‌تواند بر تعداد و نوع جرم‌ها تأثیرگذار باشد.

عوامل اقتصادی: اقتصاد و نابرابری درآمدی نیز از جمله عوامل مهمی است که در تحلیل جرم‌شناسی باید مورد بررسی قرار گیرد. بیکاری، فقر و عدم دسترسی به فرصت‌های اقتصادی، می‌تواند فرد را به جرم و جنایت سوق دهند.

در تحلیل روانشناسی علل وقوع جرم به موارد زیر دست می‌یابیم:

اختلالات روانی: اختلالات روانی مانند افسردگی، اضطراب و اختلالات شخصیتی می‌توانند زمینه‌ساز رفتارهای مجرمانه باشند. افراد مبتلا به این اختلالات ممکن است نتوانند به درستی با مشکلات خود کنار بیایند و به رفتارهای ناهنجار روی بیاورند.

تجربیات تلخ کودکی: تجربیات تلخ کودکی مانند سوءاستفاده جسمی و جنسی، بی‌توجهی و طرد شدن، می‌تواند بر رفتارهای آینده فرد تأثیر بگذارند و او را به سمت جرم سوق دهند.

عوامل شخصیتی: در تحلیل روانشناسی، عواملی مانند اختلالات شخصیتی، عقده‌ها و تجربیات ناگوار کودکی می‌تواند به عنوان عوامل مؤثر در وقوع جرم مطرح شوند. فرد با شخصیتی ضعیف‌تر یا مبتلا به اختلالات روانی، احتمال وقوع جرم را بیشتر دارد.

عوامل اجتماعی و فرهنگی: فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی نیز می‌تواند بر رفتارهای فردی تأثیرگذار باشند. در جوامعی که ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی به خوبی پایبندی می‌شوند، وقوع جرم کمتر است.

تحلیل علل وقوع جرم از دو منظر جرم‌شناسی و روانشناسی، نشان می‌دهد که این پدیده تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که نیازمند برنامه‌ریزی و اقدامات جامع برای کاهش آن است. ارتقاء شرایط اقتصادی و اجتماعی، ترویج ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی، و ارائه خدمات روانشناختی به افراد معرض خطر، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به کاهش وقوع جرم در جامعه کمک کند.

۲- روانشناسی جرم و جنایت

روانشناسان تبهکاری را به مسائل شخصیتی و مسئله سازگاری یا عدم سازگاری فرد با هنجارهای اجتماعی منسوب می‌کنند. پیروان روانشناسی مکتب فروید بر این بار بودند که روان بطور اعم بر شخصیت بطور اخص دارای دو جنبه ناخداگاه و خود آگاه است. تجربه‌های کودکی

بویژه ارتباط کودک با مادر نقش اساسی در رشد شخصیت فرد ایفا، میکند طبق این دیدگاه رفتار جرم در دروان انسان جای دارد و چنین رفتاری بیماری و ناسازه‌گاری ایجاد می‌کند، فروید روانشناس: مجرم را فردی میبیند که خود ناقص و معیوب دارد. طبق نظر او خود از سه جنبه نهاد، من، فرامن تشکیل شده است: نهاد: شامل تمایلات و احساسات ناخداگاه است فرامن: وجدان و خواسته‌های مورد پسند جامعه است که در اثر آموزش و تربیت در فرد بوجود می‌آید. حد وسط این دو من قرار دارد قسمت آگاه و منطقی فرد که بیت نهاد و من برتر از یک طرف و از طرف دیگر با دنیایی واقعیت در ارتباط است و بین آنها تعادل برقرار می‌کند از دیدگاه فروید جرم در نتیجه یک من ضعیف که تحت کنترل نهاد در آمده و باعث احساس گناه در فرد شده بوجود می‌آید. الگوی طبیعی در هر احساس گناه یا ناراحتی افراد را از انجام خلاف باز می‌دارد این الگو در دوران کودکی وقتی نیازهای درونی و تکان‌های خاص بویژه انگیزه جنسی و پرخاشگردی رشد می‌کند شکل می‌گیرد. بطور خلاصه روانشناسان پیرو مکتب فروید رفتار جنائی و مجرمانه را پاسخ به قسمتی از شخصیت می‌دانند که سرکوب شده است. (ملک محمدی، کوهیار ۱۳۸۹)

۱-۲- روانشناسی جرم

روانشناسی جرم استفاده از اصول علم روانشناسی در بررسی جرایم به ویژه رفتارهای مجرمان است که با بررسی و تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از آن می‌توان راهکارهایی را برای پیشگیری از جرم یا کاهش خطر برای افراد پیدا کرد. روانشناسی جرم طی سال‌های اخیر، جنجال‌های زیادی را به راه‌انداخته زیرا تا حدودی توانسته از وقوع جرایم جلوگیری کرده و بسترهای جرم را شناسایی کند. این شاخه از علم به ویژه در مورد جرایمی نظیر قتل و با الاخص قتل‌های زنجیره‌ای بسیار مفید واقع شده است. با بررسی رفتار مجرم می‌توان تفکرات او را شناخت، به انگیزه‌های او پی برد و در ارتکاب جرایم بعدی‌اش مانع ایجاد کرد یا او را به دام انداخت. روانشناسی جرم همراه سایر روش‌های قدیمی نظیر بررسی صحنه جرم و... می‌تواند نتایج بسیار پربراری را در پی داشته باشد و به تنهایی مفید واقع نخواهد شد. در صورت نبود یک مدرک محکم، روانشناسی جرم می‌تواند به پیدا شدن سرنخ‌های دیگر در یک ماجرا کمک کند. این روش ابزاری برای به دام انداختن مجرم محسوب می‌شود.

۲-۲- هدف‌های روانشناسی جرم

۱- اولین هدف روانشناسی جرم شامل موضوع آن یعنی مطالعه و شناخت شخصیت مجرمان و

علل و انگیزه‌های آن‌ها به هنگام وقوع جرم می‌شود. این خود سبب هدف بعدی روانشناسی جرم که در ادامه آمده است می‌شود. ۲- پیشگیری از وقوع احتمالی جرم به منظور کاهش تکرار جرم توسط افراد دیگر و همچنین تکرار جرم توسط مجرم فعلی که خود شامل موارد زیر می‌شود: الف- بازسازی، بازپروری و درمان مجرمان ب- بازپذیری اجتماعی و ادامه‌ی درمان مجرمان پ- سعی در برطرف نمودن عوامل اجتماعی مولد جرم که این سه مورد باید همزمان و به موازات هم به وسیله‌ی حمایت سازمان‌های مسئول اجرا شوند. ۳- کمک به مراجع قضایی برای به وجود آوردن قوانین جدید با توجه به مسائل اجتماعی، روانشناسی، فرهنگی، اقتصادی، دینی و بین‌المللی برای بهبود نسبی وضعیت جرم خیزی جامعه و مجرمین.

۳- تبیین پیشگیری از جرم

پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کنترل کردن یا کاهش آن. نوعی از طبقه‌بندی پیشگیری از جرم شامل: پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی است. این دو نوع، فقط تدابیر غیر کیفری را در برمی‌گیرد و در این مفهوم، پیشگیری به مجموعه راهکارهایی اطلاق می‌شود که برای مهار بزهکاری از دو طریق مورد استفاده قرار می‌گیرند: ۱- از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا (پیشگیری اجتماعی)؛ ۲- از طریق اعمال مدیریت نسبت به عوامل محیطی و فیزیکی جهت کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم (پیشگیری وضعی) (حیدری سودجانی و همکاران، ۱۳۹۴، ۸۵)

پیشگیری اجتماعی که به دو نوع جامعه‌مدار و رشد‌مدار تقسیم می‌شود، یکی از انواع پیشگیری‌های غیرکیفری بوده که اساسی‌ترین راهبرد آن، پیشگیری رشد‌مدار از آسیب‌های اجتماعی و جرائم است. پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار در تلاش است تا با اتخاذ تدابیر و اقدامات مناسب برای از بین بردن یا کاهش عوامل جرم‌زا بر محیط اجتماعی و عمومی اثر گذارد. برای نمونه ایجاد مکان‌های تفریحی و یا احداث فضای سبز می‌تواند در کاهش یا حذف عوامل محیطی جرم‌زا نقش مهمی ایفا کند و اما پیشگیری رشد‌مدار به دنبال آن است تا با شناسایی عوامل خطر، تقویت عوامل حمایتی و مداخله زودرس، از پایداری افراد در بزهکاری جلوگیری کند این شناسایی باید توسط متخصصین شخصیتی یعنی روانشناسان و مددکاران اجتماعی صورت گیرد. به بیان دیگر می‌کوشد تا با به‌کارگیری اقدامات مناسب روانشناختی - اجتماعی زود هنگام از تداوم و استقرار رفتارهای مجرمانه در افراد ممانعت کند. این اقدامات باید پیش از

بروز و در آستانه اختلاف‌های احتمالی معمول جلوی عوامل خطری را که کودکان در معرض آن هستند را بگیرد؛ بنابراین یکی از زمینه‌های پیشگیری اجتماعی در مورد بزهکاری اطفال و نوجوانان پیشگیری رشد مدار است که هدف از آن مداخله در سنین مختلف رشد یک طفل به‌منظور پیشگیری از ارتکاب جرم در آینده، هست. (جلالی فراهانی، ۱۳۸۳)

پیشگیری از وقوع جرم سطوح چندگانه‌ای دارد اما پیشگیری به ویژه با تاکید بر توانمندسازی افراد و آموزش و آگاه‌سازی آنها از طریق نهادهای مشاوره‌ای و روانشناسی و آموزشی و فرهنگی، اساسی‌ترین راه‌حل برای مهار جرم و آسیب‌های اجتماعی شناخته شده است. آموزش و توانمندسازی افراد و کسب مهارت‌های مورد نیاز شناختی اجتماعی لازم برای - برخورداری از زندگی سالم در جامعه، از اقدامات موثر در پیشگیری از وقوع جرم و شیوع آسیب‌های اجتماعی است که با روانشناسان اجتماعی می‌توان این اهداف را به سمت به تحقق رسیدن یاری کرد. (بابایی، ۱۴۰۱، ۲۰)

مهارت‌های اجتماعی مجموعه‌ای از توانایی‌ها است که زمینه سازگاری و رفتار مثبت و مفید را فراهم می‌آورند و این توانایی‌ها فرد را قادر می‌سازند تا مسئولیت نقش‌های مختلف اجتماعی را بپذیرد و بدون لطمه زدن به خود و دیگران با خواسته‌ها، انتظارات و مشکلات زندگی به ویژه در حوزه روابط بین فردی به شکل مؤثرتری مواجه شود. مهارت‌های مورد نیاز زندگی به منظور ایجاد و تقویت روابط بین فردی مناسب، پذیرش و انجام مسئولیت‌های زندگی، قدرت حل مسئله و تصمیم‌گیری، حل تعارضات و کشمکش‌ها بدون توسل به اعمال خشونت‌آمیز و غنای روابط انسانی صورت می‌گیرد.

بنابراین، سرمایه‌گذاری در زمینه توانمندسازی نسل آینده ساز جامعه، ثروت انسانی ارزشمندی را برای پیشرفت جامعه به دنبال خواهد داشت. این طرح برنامه در پیشگیری رشد مدار به خوبی قابل درک و لمس است البته در صورتی که کودکان، نوجوانان و نیازهایشان را بشناسیم؛ آن‌ها را باور کنیم و با آگاهی و دانش، مسیری هموار را برایشان مهیا سازیم، بر اساس تجربه جهانی، کوتاه‌ترین و سهل‌الوصول‌ترین مسیر را برای رشد و توسعه جامعه انتخاب کرده ایم.

پیشگیری رشد مدار یکی از انواع سطوح پیشگیری است که در آن سعی می‌شود از طریق شناسایی عوامل خطرزای فردی و اجتماعی و بکارگیری عوامل حمایتی با انجام مداخله‌های روانشناختی اجتماعی زودهنگام در سطوح خانواده، مهدکودک، مدرسه و محیط اجتماعی از شکل‌گیری و شیوع آسیب‌های اجتماعی پیشگیری شود و اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین از جمله وظایف قوه قضاییه است. معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع

جرم، به استناد بند «۵» اصل ۱۵۶ قانون اساسی با ابتنان به اینکه صورت دادن اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین از جمله وظایف قوه قضائیه است، برپا گردیده و لازم به ذکر است شارحین قانون اساسی، این وظیفه را ورای تعقیب و مجازات و تأدیب مجرم می‌دانند که خود به‌گونه‌ای پیشگیری از وقوع جرم است.

معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه در اثر مذاقه در مدل‌های پیشگیری در دنیای امروز و بر اساس سطوح سه‌گانه پیشگیری، نوع اقدامات، سطح مداخلات و جامعه مخاطب را انتخاب نموده است:

الف) در پیشگیری‌های نخستین و اولیه: اقدامات ارتقایی برای آحاد جامعه که عمدتاً افراد سالم اجتماع هستند برنامه ریزی و اجرا می‌شود.

ب) در پیشگیری‌های ثانویه: اقدامات انتخابی را برای گروه‌های در معرض آسیب و جرم طراحی می‌کنیم. همچنین فرصت ارتکاب جرم را به شیوه‌های مختلف پلیسی و وضعی از مجرم سلب می‌نماییم.

ج) در پیشگیری‌های ثالثیه: اقدامات بازتوانی، اصلاح، تربیت و بازاجتماعی شدن را برای مجرمین و آسیب‌دیدگان اجتماعی تدارک می‌بینیم و نیز حمایت قربانیان جرم و متاثرین از آسیب را از نظر دور نمی‌داریم.

با این نگاه، معاونت پیشگیری از جرم، پیشگیری را یک فرایند علمی، مبتنی بر مراحل مختلف زندگی شناسایی و معرفی می‌کند و بدین ترتیب برای هر مرحله‌ی رشد یا مقطع زندگی، برنامه‌های متنوع پیشگیرانه طراحی و دنبال اجرای آن باید از تیم روانشناسان و مشاوران و مددکاران بهره‌گیرند.

۱-۳- پیشگیری از جرم رشد مدار

صفت تعیین‌کننده‌ی جرم‌شناسی رشدمدار، تمرکز بر بزهکاری، در ارتباط با تغییراتی است که در طول زمان، در اطفال و نوجوانان و شرایط زندگی شان ایجاد می‌شود. دوران کودکی و نوجوانی، کانونی‌ترین موضوعات جرم‌شناسی رشد مدار بوده و بیشترین حجم تحقیقات در واقعیت، به آن‌ها اختصاص یافته است. اصلی‌ترین و با اهمیت‌ترین مسئله‌ی مورد توجه جرم‌شناسان رشدمدار عبارت است از: استمرار و تغییر در رفتار، در طی روند زندگی، شروع و خاتمه بزهکاری، حرفه مجرمانه و الگوهای بزهکاری در طول زمان نام برد. این گرایش از جرم‌شناسی با بهره‌گیری از

دست آوردهای مکاتب و نظریات مختلف، قادر به ارائه کاربردی‌ترین راهکارها برای مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از آن در تمامی طول زندگی، از کودکی تا پایان بزرگسالی می‌باشد. رویکردهای اصلی در این زمینه عبارتند از ایجاد مبنایی قوی برای شناخت بزهکاران جوان، مداخلات زودرس قبل از قرار گرفتن در اولین فرصت‌های ارتکاب و چگونگی عملکرد نظام عدالت کیفری و ارائه کنندگان خدمات اجتماعی در این زمینه برای یاری رساندن به این گروه سنی، قبل از حاضر شدن در دادگاه. (ناصر پیرسرای و همکاران، ۱۳۹۸، ۳۴۲)

چرا کودکان یک محله یا حتی یک خانواده، کاملاً متفاوت رشد کرده و دارای ویژگی‌های شخصیتی گوناگون می‌گردند؟ چرا در برخی موارد، افراد نماینده الگوهای بزهکاری مشابه، از زمینه‌های کاملاً متفاوت برخاسته‌اند؟ چرا بزهکاران بزرگسال، غالباً دارای سوابق بزهکاری در کودکی هستند؟ چرا برخی افراد، به ویژه اگر در سال‌های اولیه زندگی، به خلافکاری روی آورده باشند، در دوره‌ای طولانی از زندگی خود، در بزهکاری پایدار می‌مانند؟ چرا برخی افراد، پیوسته جامعه‌پذیر بوده و از درگیری در بزهکاری پرهیز می‌کنند یا تنها در سطوح بسیار جزئی آن وارد می‌شوند؟ چرا برخی افراد جامعه‌پذیر، مسیر خود را تغییر داده و در سنین بالا به بزهکاری روی می‌آورند؟ بهترین راهکار برای جلوگیری از بازگشت زندانیان سابق، به زندگی مجرمانه و زندان چیست؟ و در نهایت، برای پیشگیری از گرایش کودکان و نوجوانان به کجروی و بزهکاری و ممانعت از تبدیل شدن کودکان بزهکار به تبهکاران بزرگسال، چه کاری می‌توان انجام داد؟ پرسش‌هایی از این دست، کانونی‌ترین مسائل مطروحه در گرایشی از جرم‌شناسی می‌باشد که «جرم‌شناسی رشدمدار» یا «جرم‌شناسی روند زندگی» نام گرفته است. رشته‌ای که ظرف دو دهه گذشته، به دلیل ویژگی‌هایش، مورد توجه واقع شده و در حال شکوفایی است. (Blokland, Nieuwebberta, 2010, p.52) (محسنی، ۱۴۰۱) برخلاف روانشناسی رشد، که دارای سبکه‌ای قدیمی بوده و همیشه در عرصه تحقیق‌های روان‌شناسانه یا رشته‌های مرتبط نقش داشته است، این گرایش از جرم‌شناسی، ضمن بازنمودن عرصه‌های جدیدی در مطالعات جرم‌شناسانه، با تکیه بر چشم‌اندازی رشدنگر، به مطالعه تغییرات فردی و گذرا در جریان مراحل گوناگون حیات انسان‌ها می‌پردازد. درحالی که بیشتر نظریات جرم‌شناسانه همواره با تأکید صرف بر مؤلفه‌های زیست‌شناسانه، روانشناسانه و جامعه‌شناسانه، به چاره‌جویی برای مقابله با پدیده بزهکاری پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش‌ها و مشاهدات رشد‌مدارانه، در نهایت، منجر به کمک به تشخیص و مطالعه متغیرهایی می‌گردد که بطور مستقیم یا غیرمستقیم، بر تغییر رفتار در فرآیند تغییر سن، و بویژه شکل‌گیری رفتار منحرفانه و مجرمانه مؤثرند (Stewart, 2007).

علاوه بر این، راهبردهای رشدنگر، تنها ناظر بر فرآیند شکل‌گیری جرم نمی‌باشد و قابلیت‌های خود را در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و مبارزه با بازگشت به بزهکاری نیز به کار گرفته‌اند که حاصل آن پدیده‌ی «پیشگیری رشدمدار» است. جرم‌شناسی رشدمدار که مرکز و کانون اصلی آن بررسی جرم در ارتباط با روند زندگی به خصوص در دوران طفولیت است، به تشریح چگونگی تأثیرپذیری الگو و ماهیت بزهکاری از «سن» اختصاص یافته است. در واقع، نقطه‌ی اصلی جستارهای این گرایش از جرم‌شناسی، مطالعه تغییرات «درون فردی» در ارتباط با بزهکاری، در ادوار گوناگون زندگی است و نظریه پردازی‌های انجام شده در این حوزه، منتهی به شناخت ارتباط قطعی و روشن میان دوران‌های مختلف زندگی، چگونگی، فراوانی و انواع جرایم، شده است در واقعیت رابطه سن مجرم و نوع جرم موضوع اصلی مطالعه جرم‌شناسی از نوع رشد مدار است. (محسنی، ۱۴۰۱)

۲-۳- جایگاه روانشناسان اجتماعی در جرم‌شناسی رشدمدار

در پیشگیری و درمان بزهکاران اطفال و نوجوان قبل از مطالعه نقش و جایگاه جرم‌شناسی رشدمدار در پیشگیری و درمان بزهکاری، باید بدانیم که پیشگیری، در لغت به معنای جلوگیری، دفع، صیانت، مانع شدن و جلو بستن است و به کار یا تدابیر اتخاذ شده برای ممانعت از رویداد معینی در آینده است (معین، ۱۳۷۵، ص ۹۳۳) و درواقع به استقبال چیزی رفتن و هشدار دادن متناسب می‌شود. بنابراین، با توجه به اینکه هدف از هشدار دادن نسبت به خطر وقوع جرم، ایجاد آگاهی و جلوگیری از وقوع آن است، هشدار و آگاه نمودن عموم در این رابطه می‌تواند یکی از رهیافت‌های روانشناسان تلقی گردد. اما همانگونه که توضیح داده خواهد شد، منظور از پیشگیری، اغلب فونونی است که با هدف ممانعت و جلوگیری از وقوع جرم، به کار گرفته می‌شود. درمان، یکی از اصطلاحات علم پزشکی است و در لغت به معنای چاره، علاج و دارو می‌باشد (عمید، ۱۳۷۴، ص ۱۱۱۱) به لحاظ حقوقی نیز منظور از درمان، هر گونه عمل، رفتار یا شیوه کنترل یا مراقبت، در مورد مجرمین است. چاره جویی در مورد پدیده بزهکاری، در هر دو سطح پیشگیری و درمان، مستلزم آشنایی کامل با علل پیدایش بزهکاری، فرآیند شکل‌گیری و عوامل مؤثر بر آن در گروه‌های مختلف انسانی، از نظر قرار گرفتن در طبقه‌بندی‌های گوناگون مانند سن، جنس، طبقه اجتماعی، وضعیت اقتصادی و... می‌باشد با توجه به اینکه هدف روانشناسان نفوذ در لایحه‌های شخصیتی مجرم به دلیل کشف وقایع مجرمانه و علل وقوع آن است، بنابراین در علم جرم‌شناسی ما فاصله‌ای بین جامع‌شناس و روانشناس و حقوقدان نمی‌بینیم چرا که هر شخص

بای تخصص اگر پا به عرصه‌ی پیشگیریاز جرم بگذارند مدینه فاضله داریم نه جامعه‌ای مملو از جرم و جایز. (محسنی، ۱۴۰۱)

انواع گوناگون فعالیت‌های حوزه جرم‌شناسی رشدمدار، اعم از پژوهش، مطالعه، مصاحبه، نظریه‌پردازی و... به لحاظ ماهیت تخصصی چند وجهی و میان رشته‌ای آن (حقوق و روانشناسی)، مستلزم برخورداری از سطوح بالایی از علوم و دانش مرتبط با موضوعات این گرایش است. مهم‌ترین موضوعات این گرایش عبارتند از شناخت خصوصیات و ابعاد مختلف انسان، به لحاظ شخصیت، روحیات، زندگی اجتماعی و حتی زیست‌شناختی که در حوزه‌ی علم روانشناسی قرار می‌گیرد. نظریات جرم‌شناسانه رشدمدار، به دلیل در برداشتن مفاهیم و مباحث مستقیم بسیار، در ارتباط با بزهکاری در روند زندگی، نقش مهمی در شناخت بزهکاری، پیشگیری از ارتکاب جرم و تکرار آن و نیز درمان بزهکاران ایفاء می‌نمایند که ارتباط با حقوق جزا و جرم‌شناسی دارد. عوامل سببی خطرناک در فرآیند رشد فرد، که پیش از تولد، در دوران کودکی و نوجوانی و قبل از بزرگسالی، مورد بررسی قرار می‌گیرند که در حوزه‌ی مشاوران قرار می‌گیرد، از جمله بیماری‌ها، گروه‌های دوستان و عوامل فشار همسالان، عوامل خانوادگی، شرایط محل زندگی و همسایگی و... پژوهشگران را قادر به درک و پیش‌بینی احتمال شکل‌گیری مجرمین حرفه‌ای و تمایز آنان از مجرمین اتفاقی و منحصر به دوره‌ای خاص از روند زندگی، می‌کند که همه‌ی موارد فوق در زیر مجموعه علوم روانشناسی و حقوق قرار می‌گیرد و مجموعه اقداماتی که در این زمینه باید صورت گیرد باید توسط متخصصین امر باشد.

همین راستا، حوزه روانشناسی جنایی از باب رشدنگر، اقدام به ایجاد نمونه‌ای از عوامل خطرناک و حمایت‌کننده نموده که گروه‌های پرخطر، در آن، مورد نظارت قرار گرفته و از پیشگیری‌های رشدمدار برخوردار می‌شوند. پیشگیری عدالت‌کیفری که سعی دارد با استفاده از اصلاحات و راهکارهای باز پرورانه تحقق یابد با این حال راه را برای روانشناسان کمی ناهموار کرده است چرا که علم روانشناسی پیروی عدالت‌ترمیمی و اصلاح است تا عدالت‌کیفری و نتایج ارباب آور و حتی عاری از هرگونه اهداف پیشگیری. علاوه بر این، جرم‌شناسی رشدمدار، راه را برای پژوهش‌های آینده با هدف پیشی گرفتن بر مجرمین حرفه‌ای و حرفه‌های مجرمانه و یافتن روش‌های درمانی و پیشگیری کارآمدتر از طریق ارائه مشاوره و انواع مختلف کمک‌های اجتماعی، هموار می‌سازد مطالعه علمی فرآیند رشد مدار بزهکاری، به ویژه در مورد کودکان و نوجوانان، با هدف مداخله، پیشگیری و درمان، مبتنی بر سلسله اقداماتی مرکب از تعریف، تشریح، توضیح و در نهایت، واکنش صحیح، نسبت به رفتار مجرمانه این گروه سنی است. روانشناسان با مداخلات

متخصصانه به پیشگیری و علت یابی جرم پرداخته و با مطالعه دقیق و پژوهش بر روی شخصیت مجرم راهی برای رهایی او از بند جرم همیشه می‌یابد. به عبارت دیگر، موضوع اصلی الهام بخش روانشناسان در حوزه‌ی پیشگیری رشدمدار، شناخت چگونگی شکل‌گیری بزهکاری، در روند رشد و زندگی است نه در یک پرونده خاص. از آنجا که نظام رسمی رسیدگی به جرائم کودکان و نوجوانان، مرکب از پلیس، دادگاه‌ها و مراکز اصلاح و تربیت می‌باشد، بخش اعظم موضوع بزهکاری این گروه سنی، توسط نهادهای غیررسمی خارج از نظام عدالت کیفری، عمدتاً در قالب آمارگیری، انواع فعالیت‌های پژوهشی و نظریه پردازی‌های این حوزه، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. و در نهایت، مداخله، پیشگیری و درمان بزهکاری، بر پایه دانش روانشناسی حاصل از فعالیت‌های بخش غیررسمی این نظام و با تعامل با بخش سنتی یا رسمی آن تحقق می‌یابد. به لحاظ مقررات شکلی و رسمی، اقدامات مذکور، در قالب توقیف و رسیدگی به اعمال آن‌ها به عنوان کودکان و نوجوانان بزهکار، محور اصلی بدنه رسمی نظام رسیدگی به قانون شکنی این گروه سنی را تشکیل می‌دهد. اگر چه رسیدگی و اعمال مجازات، در این زمینه، به لحاظ خصیصه بازدارندگی کیفر، واجد سطوحی از پیشگیری از ارتکاب جرائم آتی و تکرار جرم می‌باشد، اما در واقع، بخش غیررسمی نهاد مذکور، بر پیشگیری از بزهکاری و بکارگیری تمهیداتی متمرکز است که مسیر زندگی و حرکت آنان را بطور کلی، از برخورد با نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان منحرف ساخته و در روندی طبیعی قرار دهد. (محسنی، ۱۴۰۱)

طبق بررسی‌های صورت گرفته توسط تیم روانشناسان اجتماعی متاسفانه برخی از کودکان و نوجوانان، در رفتارهای منحرفانه و خطرناک و قانون شکنانه گیر افتاده اند که شایع‌ترین آن‌ها عبارتند از نوشیدن مشروبات الکلی، تقلب در امتحان، خرابکاری شهری یعنی تخریب اموال عمومی، سرقت حتی از نوع کوچک در مدرسه، جیب‌بری در اتوبوس و به‌طور کلی وسایل نقلیه عمومی، درگیری در نزاع فیزیکی و... برخی از تخلفات کوچک و کم اهمیت، ممکن است این رفتارها در سنین پایین بسیار راحت به نظر برسند، اما از نظر روانشناسان اگر این موارد درمان و شناسایی نشود تبدیل به بزهکاری می‌گردد. با این وجود، مراقبت در راستای عدم درگیری این گروه سنی، در فعالیت‌های غیرقانونی و تربیت شهروندان قانونمند و مسئولیت پذیر، از اهمیت بسیار برخوردار است. لزوم پیشگیری و درمان بزهکاری کودکان و نوجوانان، از علل با اهمیتی برخوردار است که پیش افتاده‌ترین آن‌ها عبارتند از اینکه بزهکاری، این گروه سنی را در معرض مخاطراتی بسیار جدی و جبران ناپذیر مانند مصرف مواد مخدر و اعتیاد، فرار از مدرسه، حبس، مصدومیت، و انحرافات جنسی... و در نهایت، بزهکاری مزمن و ریشه‌دار در بزرگسالی قرار می‌دهد و کودک و

نوجوان از مصونیت رها شده و تبدیل به مجرم با سابقه می‌شود و نجات آن‌ها از زندگی بسیار دشوار است به این جهت پیشگیری رشد مدار می‌تواند بهترین راه حل جهت کنترل و اصلاح بزهکاران داشته باشد زیرا از سنین رشد پا به عرصه می‌گذارد و اجازه نمی‌دهد کودک و نوجوان معارض با قانون به همین شکل رشد و نمو کند و تبدیل به یک مجرم در بزرگسالی گردد.

تمرکز این نوع از پیشگیری بر بزهکاری در ارتباط با تغییرات افراد در طول زمان و شرایط زندگی آنان است. دغدغه اصلی جرم‌شناسان و روانشناسان حوزه‌ی رشد مدار، مسأله استمرار و تغییر رویه و رفتار، که شامل بر شروع و خاتمه بزهکاری والگوهای بزهکاری در روند زندگی است. ریشه‌های جرم‌شناسی رشد مدار، در گرایش‌های علوم روانشناسی اجتماعی و اثبات‌گرایی پیکره اصلی جرم‌شناسی قرار داشته و به مطالعه ارتباط میان عوامل زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بزهکاری در طی روند زندگی، از دوران جنینی تا مرگ، می‌پردازد. یکی از فروض اصلی این دیدگاه این است که کوله باری که افراد با خود حمل میکنند، استمرار آثار حاصل از تجارب گذشته آنان، مانند دوران کودکی همراه با آسایش و شادی، بد رفتاری، بی توجهی یا سوء استفاده جنسی و... است که نحوه رفتار آن‌ها در حال حاضر را تحت تأثیر قرار میدهد و افرادی که از همان سنین کم برای موارد گوناگون از جمله طلاق والدین و ضربه‌های احساسی ناشی از عدم توجه والدین به روانشناسان مراجعه می‌کنند چون در مسیر درمان قرار می‌گیرند کمتر آسیب می‌پذیرند.

۴- نقش مشاوره و مددکار در کانون اصلاح و تربیت

کانون اصلاح و تربیت، به عنوان نهادی که به اصلاح و بازپروری افراد بزهکار، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، می‌پردازد، نیازمند نقش فعال و مؤثر مشاوران و مددکاران اجتماعی است. این نقش‌ها به منظور فراهم آوردن حمایت‌های روانشناختی، اجتماعی و اخلاقی برای بازگشت سالم این افراد به جامعه اهمیت دارد.

مشاوران در کانون‌های اصلاح و تربیت وظایف متعددی دارند که به بهبود وضعیت روانی و رفتاری افراد کمک می‌کند. این وظایف شامل موارد زیر است:

مشاوران با ارزیابی دقیق وضعیت روانی و عاطفی افراد بزهکار، مشکلات روانشناختی آنان را شناسایی می‌کنند.

بر اساس ارزیابی‌ها، برنامه‌های درمانی و مشاوره‌ای مناسب برای هر فرد تدوین می‌شود.

مشاوران جلسات مشاوره فردی و گروهی برگزار می‌کنند تا افراد بتوانند مشکلات خود را بیان کنند و راه‌حل‌های مناسب را پیدا کنند.

ارائه حمایت‌های روانی به افراد برای تقویت عزت نفس و اعتماد به نفس آنان. مددکاران اجتماعی نیز نقش کلیدی در کانون‌های اصلاح و تربیت ایفا می‌کنند و مسئولیت‌های آنان عبارت‌اند از:

مددکاران اجتماعی وضعیت خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی افراد را بررسی می‌کنند. ایجاد و حفظ ارتباط با خانواده‌های افراد بزهکار به منظور حمایت و تقویت ارتباطات خانوادگی.

مددکاران اجتماعی پس از خروج افراد از کانون، وضعیت آنان را پیگیری کرده و به آنان در بازگشت به جامعه کمک می‌کنند.

ارائه حمایت‌های اجتماعی مانند کمک‌های مالی، مشاوره شغلی و آموزشی به افراد برای جلوگیری از بازگشت به بزهکاری.

در بررسی تطبیقی نقش مشاوران و مددکاران اجتماعی در کانون‌های اصلاح و تربیت در کشورهای مختلف، می‌توان به تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود پی برد:

در آمریکا، برنامه‌های بازپروری در کانون‌های اصلاح و تربیت بر مبنای مدل‌های روانشناختی و اجتماعی جامع بنا شده و مشاوران و مددکاران اجتماعی نقش فعالی در این برنامه‌ها دارند. جلسات مشاوره فردی و گروهی، ارزیابی‌های مستمر و برنامه‌های حمایتی از جمله فعالیت‌های این نهادهاست.

در ایران، کانون‌های اصلاح و تربیت تحت نظارت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور فعالیت می‌کنند. در این نهادها، مشاوران و مددکاران اجتماعی با تمرکز بر اصلاح رفتار و بازگشت سالم به جامعه، فعالیت‌های متعددی از جمله مشاوره، آموزش مهارت‌های زندگی و پیگیری وضعیت پس از خروج از کانون را انجام می‌دهند.

نقش مشاوران و مددکاران اجتماعی در کانون‌های اصلاح و تربیت بسیار حیاتی است و می‌تواند به بازگشت سالم افراد بزهکار به جامعه کمک کند. با توجه به تحلیل تطبیقی انجام شده، می‌توان به این نتیجه رسید که استفاده از مدل‌های جامع و همکاری نزدیک مشاوران و مددکاران اجتماعی با خانواده‌ها و جامعه، می‌تواند به بهبود فرآیند بازپروری و کاهش نرخ بزهکاری کمک کند. برای ارتقای این نقش‌ها، لازم است که برنامه‌های آموزشی و حمایتی

بیشتری برای مشاوران و مددکاران اجتماعی فراهم شود و ساختارهای موجود در کانون‌های اصلاح و تربیت بهبود یابد.

نتیجه‌گیری

وقوع انواع جرائم از قبیل نزاع‌های خیابانی، خشونت و علیه زنان و کودکان، تجاوز، قتل‌های برنامه ریزی نشده آبی و... رفتارهای پرخطری هستند که هزینه هنگفتی بر جامعه و سیستم امنیتی و قضایی و حتی درمانی کشور وارد می‌کنند. حال آنکه بطور قطع با جلوگیری از وقوع این قبیل اتفاقات می‌توان از ضایعات جبران ناپذیری پیشگیری کرد. اگر سلامت روان جامعه افزایش پیدا کند خود به خود پرخاشگری و بزهکاری کاهش می‌یابد. ریشه بسیاری از رفتارهای پرخاشگرانه در اختلالات اضطرابی و افسردگی و اختلالات خلقی یا نداشتن مهارت‌های زندگی است. بنابراین، اگر قرار است پیشگیری کنیم لازمه پیشگیری این است که در سرفصل‌های نگهداری از فضای جامعه، آموزش مهارت‌های زندگی، مهارت مدیریت هیجانات، تشکیل پرونده سلامت و پیگیری سلامت افراد و آموزش چگونگی حفظ و نگهداری سلامت برای آدم‌ها فعالیت‌هایی انجام دهیم. در این صورت، این نگاه تبدیل به فرهنگ می‌شود و این فرهنگ فضایی را به وجود می‌آورد که جدل‌های آدم‌ها تبدیل به حل مساله شود. آمارها حاکی از آنند که دسته‌ای از بزهکاران که طعم زندان یا مجازات‌های تنبیهی مشابه که بر پایه انتقام از مجرم استوار بوده است را چشیده‌اند، پس از مدتی مجدداً مرتکب همان جرم و یا جرائم بزرگتر شده‌اند. کما اینکه همین مساله باعث تغییر رویکرد بسیاری از حقوقدان‌ها و حرکت از عدالت انتقامی به سمت عدالت ترمیمی شده است. با این نگاه وقتی فردی را که به عنوان بزهکار دستگیر می‌کنیم اولین کاری که باید انجام دهیم سنجش سلامت روان او و گرفتن شرح حال از اوست تا بتوانیم مشکلات روانشناختی این فرد را تشخیص دهیم. بر اساس این تشخیص، طرح درمانی برای او در نظر می‌گیریم و درمانگری به او اختصاص دهیم که به افزایش سلامت روان او کمک کند. اگر این اتفاق بیفتد و آن فرد به سمت سلامت روان برود احتمال وقوع بزهکاری و جرم بسیار کاهش پیدا می‌کند. چون نیازها و خلأهای روانشناختی که رفع نشدن آنها باعث بروز بزهکاری شده بود برطرف می‌شود و نیاز فرد به انجام رفتارهای ناهنجار کاهش پیدا می‌کند. البته، این کار اصلاً ساده نیست چون بسیاری از نگرش‌های زیربنایی جامعه، قانون‌گذاران، قانون و مجریان آن باید تغییر کند. در واقع، در این مجموعه باید نگرشی شکل بگیرد که نگاه ما به بزهکاران به جای نگاه به یک مجرم نگاه به یک بیمار باشد.

با توجه به قوانین ایران و نقش روانشناسان اجتماعی در پیشگیری از رشد مدار به جرم، پیشنهادات زیر مطرح می‌شود:

تقویت همکاری بین نهادهای قضایی و روانشناسی: ایجاد ارتباط مستقیم و همکاری فعال بین دستگاه‌های قضایی و روانشناسان اجتماعی برای ارائه مشاوره و راهکارهای پیشگیری از رشد مدار به جرم بسیار حیاتی است. تدوین برنامه‌ها و پروژه‌های مشترک با هدف ارتقاء آگاهی و آموزش جامعه نیز توسط این دو نهاد می‌تواند مؤثر باشد.

توسعه برنامه‌های آموزشی در مدارس و مراکز آموزشی: دروس و برنامه‌های آموزشی با محتوای روانشناسی اجتماعی و پیشگیری از جرم در سطوح مختلف آموزشی باید توسعه داده شود. این برنامه‌ها به دانش آموزان کمک می‌کنند تا آگاهی لازم در خصوص عوامل وقوع جرم و راهکارهای پیشگیری از آن را بدست آورند.

تقویت شبکه‌های اجتماعی و خانواده‌ها: آموزش و افزایش آگاهی خانواده‌ها و افراد جامعه از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. ایجاد برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی برای خانواده‌ها و افراد جامعه با تأکید بر نقش روانشناسان اجتماعی می‌تواند به پیشگیری از رشد مدار به جرم کمک کند.

تحقیقات و مطالعات بیشتر: انجام تحقیقات و مطالعات بیشتر در حوزه روانشناسی اجتماعی و پیشگیری از رشد مدار به جرم، ارتقاء دانش و شناخت عمیق‌تر از عوامل مؤثر در وقوع جرم را ممکن می‌سازد. این تحقیقات می‌توانند به شناخت بهتر نیازها و مشکلات جامعه و ارائه راهکارهای بهتر برای پیشگیری از جرم کمک کنند.

منابع

- اکبری، لیلا (۱۳۹۰)، بررسی شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان در قواعد و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران.
- بیات، بهرام؛ شرافتی پور، جعفر (۱۳۸۷)، پیشگیری از جرم با رویکرد اجتماع محور، تهران: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی.
- پاک‌نیا، عبدالکریم (۱۳۸۲)، حقوق متقابل والدین و فرزندان، تهران: کمال‌الملک.
- جلالی، علی اکبر (۱۳۸۹)، نظارت همگانی عامل پیشگیری جرایم در فضای مجازی، مجله کارآگاه، ۱۲، ۳۰-۶.

- خسروشاهی، قدرت الله؛ نامیان، پیمان؛ شکر بیگی، علیرضا (۱۳۹۰)، پیشگیری از جرم در پرتو آموزه‌های دینی، نشریه مهندسی فرهنگی، ۵۷-۵۸، ۸-۲۳.
- رجبی پور، محمود (۱۳۸۷)، مبانی پیشگیری اجتماعی از بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران: منتهی.
- سلیمی، علی؛ داوودی، محمد (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی کجروی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کی نیا، مهدی (۱۳۷۰)، مبانی جرم‌شناسی، ج ۱، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- محمد نسل، غلامرضا؛ اشراقی، مهرداد (۱۳۸۸)، نقش موقعیت در بزهکاری، فصلنامه انتظام اجتماعی، ۳، ۷۹-۱۰۲.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۸۹)، پیشگیری از جرم (علوم جنایی)، تهران: سمت.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۷)، دانش نامه جرم‌شناسی، چاپ ۱۲، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- یو، روبرکاری (۱۳۸۱)، مداخله روانشناسی- اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، ۳۵-۳۶، ۲۶۷-۳۰۴.
- محسنی، فرید. (۱۴۰۱). دستاوردهای نظری و عملی جرم‌شناسی رشد مدار. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، ۱۹(۶۶)، ۱۴۵-۱۶۸.
- ملک محمدی، حمیدرضا، جوادی ارجمند، جعفر، کوهیار. الهه (۱۳۸۹). بررسی سیاستگذاری‌های مددکاری در مرکز مراقبت‌های پس از خروج از زندان در شهر تهران در سال ۸۸-۸۹. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه تهران - دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- بیرانوند، رضا، یاراحمدی، حسین، و میلانی، علیرضا. (۱۳۹۹). تحلیل پیشگیری رشدمدار از جرم در نظام حقوقی ایران. فصلنامه دانش انتظامی، ۲۲(۲)، ۹۹-۱۲۲.
- خدا شناس، احمد و خاکشور قره سو، سجاد و نبویان، محمد، (۱۴۰۰)، تحلیل و بررسی تدابیر پیشگیری اجتماعی رشدمدار از جرم درآموزه‌های اسلامی، سومین کنفرانس بین المللی و چهارمین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی، تهران
- اکبری، سید مهدی (۱۳۹۷)، بررسی علل زمینه‌های قتل عمدی، فصلنامه مطالعات تطبیقی حقوق در ادیان، دوره: ۱، شماره: ۱

- حیدری سودجانی، اسماعیل، و علیرضایی، مهدی. (۱۳۹۴). آینده پژوهی وقوع جرایم جنسی مبتنی بر رضایت در محیط‌های شهری. کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی.
- ناصری‌سرائی، آرش، شیرین، عباس، مؤذن زادگان، حسنعلی. (۱۳۹۸). رابطه سرمایه اجتماعی با پیشگیری رشد مدار و جامعه مدار از جرم (مطالعه: شهرستان ملارد پاییز ۹۴ لغایت تابستان ۹۵). مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۴۹(۲)، ۳۳۱-۳۵۲.
- بابایی، صادق؛ (۱۴۰۱). بررسی نظریات جرم‌شناسان دائر بر تاثیر محیط اجتماعی بر ارتکاب جرم؛ مطالعات علوم اجتماعی بهار، دوره هشتم - شماره ۱ (۱۲ صفحه - از ۱۹ تا ۳۰)
- جلالی فراهانی، امیر حسین. (۱۳۸۳). پیشگیری از جرایم رایانه‌ای. مجله حقوقی دادگستری، ۶۸(۴۷)، ۸۷-۱۱۹.
- یوسفی، مرتضی. (۱۳۸۷). «بررسی و تبیین جایگاه فضای سایبر به عنوان عامل ارتکاب جرم». پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، قم: دانشکده پردیس قم دانشگاه تهران،
- حقیقی کیوانی، بیژن و میرخلیلی، سید محمود، ۱۴۰۲، جرم‌شناسی حقوقی مجازات جرم سرقت در قوانین کیفری ایران، اولین همایش بین‌المللی وکالت، حقوق و علوم انسانی، همدان



Investigating the position of social psychologists in the prevention of crime-oriented growth

Morteza Mohammadi *
Atefeh Shakibarad **
Zahra Dorafshan Tabatabaee ***

Abstract:

Preventing criminal propensity is one of the vital subjects in the fields of psychological and social sciences. In this regard, the role of social psychologists is crucial in preventing individuals who are at risk of criminal propensity. These psychologists strive to provide solutions for preventing criminal propensity by examining various factors such as social relationships, family dynamics, school environment, and economic conditions. This article investigates the position of these psychologists in this field and highlights the importance of their role in crime prevention. The main issue here is how social psychologists can play an effective role in preventing criminal propensity in today's society? Initially, the factors leading to criminal propensity need to be identified, followed by proposing solutions to reduce these factors and deter individuals from engaging in criminal activities. This includes raising awareness of social and psychological issues, strengthening social relationships, providing psychological and social services to at-risk individuals, and reforming social and legal policies. The main objective of this research is to examine and analyze the position of social psychologists in preventing criminal propensity. This article examines the relationship between psychologists and jurists in the field of crime prevention through an analytical-descriptive approach and research methodology through careful study and analysis of scientific articles, books, and relevant studies in this area. The research findings indicate that social psychologists, by providing solutions based on understanding the influential factors in criminal propensity, can play a significant role in preventing this phenomenon.

Keywords

Criminology, criminal propensity, crime prevention, social psychology, criminal justice

* Master of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Electronic Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. m.mohamadi.6090@gmail.com

** Assistant Professor, Clinical Psychology, Faculty of Medical Sciences and Technologies, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author): atefeh.shakibarad@gmail.com

*** Master of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Electronic Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Zahratatabaee1363@gmail.com